

فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش نامه‌ی تاریخ اسلام
سال اول، شماره یکم، بهار ۱۳۹۰
صفحات ۲۳ - ۴۵

نگاه تاریخی قرآن و تاریخ نگاری مورخان مسلمان^۱

بررسی موردی علت پیروزی مسلمانان در غزوه بدر

محسن الویری^۲

چکیده

واکاوی تجربه تاریخ نگاری در پهنه تمدن اسلامی، برای پی ریزی مکتب تاریخ نگاری بومی هم سو با دگرگونی های دیگر شاخه های علوم انسانی سودمند است. با بررسی متون تاریخی فراهم آمده در این تمدن، می توان گمان زد که تاریخ نگاری مسلمانان به ویژه هنگام تبیین علی روی دادهای تاریخی، از روش برآمده از متون دینی (قرآن و سنت) بسیار دور است. این مقاله بر پایه گفتار استنفورد درباره «علیت تاریخی»، با تأکید بر نمونه «غزوه بدر»، به استخراج آن روش از قرآن و آثار سه تاریخ نگار برجسته نیمه نخست سده سوم هجری می پردازد و با گونه شناسی و بهره گیری از روش «مقایسه کیفی محدود»، بدین نتیجه خواهد رسید که مورخان مسلمان ملهم از قرآن، به تأثیر گذاری عوامل «ماورایی» در روی دادهای تاریخی توجه کرده، اما به رغم قرآن در تحلیل روی دادها به قانون مندی های تاریخ (سنت) بی توجه بوده اند.

کلیدواژگان

تاریخ نگاری، غزوه بدر، مورخان مسلمان.

۱. تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۲. تاریخ پذیرش: ۸۹/۷/۱۹

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه امام صادق (ع). alvirim@gmail.com

هنگامی که تاریخ پایش را از چارچوب نقل روی داده‌ها فراتر می‌نهد و به تحلیل و تبیین رو می‌کند، شاید نخست از چرایی پدید آمدن روی داده‌ها (علیت در تاریخ) برای تاریخ‌نگاران سخن بگوید. کسانی بر این باورند که مقصود از «تبیین تاریخی»، همان بیان علت‌هاست (استنفورد، ۱۴۷)، اما کسانی کوشیده‌اند چهار گونه مختلف تبیین را از یک‌دیگر باز نمایند: «قانون‌مند»، «عقلانی»، «روایی» و «علی» (اتکینسون، ص ۳۸ - ۴۶). البته اتکینسون که به این راه رفته، خودش اشاره کرده است که اگر تبیین روایی کنار گذاشته شود، نمی‌توان سه تبیین دیگر را با دقتی آسیب‌ناپذیر از یک‌دیگر جدا کرد (همان، ص ۳۸). بنابراین، گمان می‌رود تحلیل، تبیین، کشف روابط علی و معلولی و قانون‌مندی، واژگان و ترکیب‌های گوناگونی‌اند که به‌رغم تفاوت‌هایشان، در معنایی نزدیک به هم و دارای پیوند با یک‌دیگر به کار می‌روند. این مقاله بر موضوع علیت تأکید می‌کند، اما به قانون‌مندی؛ یعنی لایه‌ای از علیت نیز به‌ویژه برای نتیجه‌گیری توجه می‌کند.

علیت تاریخی از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و مغرب‌زمین

این سخن منطقی می‌نماید که اگر «علیت» موضوعی فلسفی باشد، «علیت در تاریخ» نیز باید تابعی از نظام فلسفی رایج در جامعه به شمار رود. روند دگرگونی علیت تاریخی در آرای فیلسوفان تاریخ مغرب‌زمین، این همسانی و تبعیت را به‌خوبی نشان می‌دهد، اما سوگ‌مندانه باید پذیرفت که چنین مباحثی، هنوز در سطح درخوری در آثار اندیش‌مندان مسلمان نیامده است؛ یعنی هیچ یک از آثار فلسفی مسلمانان که گاهی به گستردگی، بحث علیت را پی گرفته‌اند، درباره تطبیق مباحث خود با مسئله علت در امور اجتماعی و تاریخی انگیزه‌ای نداشته‌اند (خادمی، ص ۲۹ - ۱۹۵). هم‌چنین در آثار اندک مورخان مسلمان که انگیزه‌های نظری و نگاه تبیینی و علی - معلولی درباره روی داده‌ها دارند، نشانی از میل به

سامان‌دهی فلسفی دیدگاه‌هایشان در این زمینه به چشم نمی‌خورد. در مغرب‌زمین نیز هر درک و تبیینی درباره علیت به مفهوم فلسفی‌اش، در تحلیل تاریخی به کار نیامده است؛ مانند درکی که هولباخ و لامتری و حتی هیوم از علیت داشتند (هیوز، وارینگتن، مارنی، ص ۳۵۰)، اما از سوی دیگر، هر دیدگاهی درباره علیت تاریخی، بر پایه نظامی فلسفی استوار بوده است. کانت نیز که شناخت ذاتی اشیا را ناممکن و تنها شناخت جهان پدیدارها را ممکن می‌دانست، زمینه را برای انکار امکان علیت تاریخی و پیدایی نظریه و روش‌های چهارگانه جان استوارت میل برای کشف علیت فراهم آورد. (همان، ص ۳۵۱). به هر روی، دیدگاه یا دیدگاه‌هایی درباره مفهوم علیت تاریخی بر پایه آرای فیلسوفان مسلمان در زمینه علیت، دیر یا زود باید عرضه شود. این جستار بیش از این در این‌باره درنگ نمی‌کند، اما با توجه به سخنان پیش‌گفته، چرایی مبنا بودن تعریف و الگوی برخی از فیلسوفان تاریخ مغرب‌زمین درباره علیت تاریخی پاسخ خواهد یافت.

دیدگاه‌هایی درباره علیت تاریخی

دیدگاه کالینگوود (۱۹۴۳م) درباره علیت کمابیش به نظر فیلسوفان مسلمان نزدیک‌تر است؛ زیرا علت در آثار فلسفی مسلمانان با تأثیرپذیری از نوشته‌های ارسطو، به چهار دسته «فاعلی»، «غائی»، «صوری» و «مادی» تقسیم می‌شود. بر پایه گزارش استنفورد (ص ۱۵۶)، کالینگوود علت را به «انسانی» و «طبیعی» تقسیم می‌کند که کمابیش همانند علت فاعلی و مادی است. دیدگاه والش نیز در زمینه تأثیر انگیزه‌ها در پیدایی روی‌دادهای تاریخی، به‌رغم کوتاهی‌اش بسیار مهم و تعیین‌کننده می‌نماید (والش، ص ۷۹). البته فیلسوفان مسلمان تنها درباره علت فاعلی به بحثی درازدامن پرداخته‌اند و دیگر علت‌ها در آثار آنان کمابیش مجمل است. کالینگوود دیدگاه ارزنده‌ای درباره ضرورت تقسیم علت به «سیاسی» و «اقتصادی» و «فرهنگی» و «نظامی» و... عرضه کرده و تأثیر

این علت‌های محتمل را در «تقویت موضع شکاکانه درباره علت در تاریخ» بررسی‌ده است (استنفورد، ص ۱۵۷). چنانچه کالینگوود بحثی فراتر از این، پیش می‌نهد و به مسائل خردتر نیز می‌پرداخت، شاید دیدگاه‌هایش به پایه‌ای برای سخن در این باره بدل می‌شد.

دیدگاه استنفورد درباره علیت تاریخی

گمان می‌رود مایکل استنفورد (۱۹۲۳م) کمابیش این خلأ را پر کرده باشد. او علیت تاریخی را هم‌عرض با علیت در زندگی روزمره، چیزی می‌داند که سبب تولید یا آوردن چیز دیگری می‌شود و هنگامی که میان دو روی‌داد توالی بسیار دیده شود، روی‌داد نخست را می‌توان علت نامید و چنانچه این توالی میان چند روی‌داد و یک روی‌داد باشد، می‌توان یکی از روی‌دادهای نخست را علت دانست. این گزینش به سه شیوه تحقق می‌پذیرد: «علاقه شخصی»، «مهارپذیری»؛ یعنی برخورداری از قدرت ایجاد یا جلوگیری از ایجاد آنچه علت نامیده می‌شود و «انحراف از معیار»؛ یعنی استاندارد پذیرفته شده (استنفورد، ص ۱۴۸ - ۱۴۹). البته او نیز مانند هیوز، وارینگتن و مارنی که کمابیش معنای علت را همین می‌دانند (هیوز، وارینگتن، مارنی، ص ۳۴۹)، به سرعت متوجه تفاوت علت و شرط می‌شود و شرط را به «لازم» و «کافی» تقسیم می‌کند. شرط لازم از دید استنفورد، ثابت و معین و بی‌جایگزین است و اگرچه ضامن نتیجه نیست، تضمین می‌کند که اگر نباشد نتیجه هم نخواهد بود، اما شرط کافی غیرثابت و غیرمعین و دارای جایگزین و ضامن نتیجه است (استنفورد، ص ۱۵۰). او سرانجام می‌گوید با توجه به ناممکن بودن عملی یافتن به علت روی‌داد تاریخی، بهتر است شماری از شرط‌های کافی، علت آن شمرده شوند و در تبیین تاریخی بیش‌تر برای یافتن این دسته از شرط‌ها باید کوشید:

به نظر می‌رسد برابر گرفتن علت یک حادثه تاریخی با شرط کافی یا دسته‌ای از شرایط کافی برای آن حادثه کمی عملی‌تر از برابر گرفتن آن با شرایط لازم باشد (استنفورد، ص ۱۵۲).

شاید مقصود اوکشات نیز از گراف شمردن بحث درباره مفهوم علت و روی آوردن به تبیین؛ یعنی معتقد شدن به دنیایی از روی داده‌های دارای ارتباط درونی با یک‌دیگر به جای باور به علت (استنفورد، ۱۵۷) همین بوده باشد. این سخن امیدوارکننده‌تر از دیدگاه کسانی است که بر اثر دشواری‌های کشف روابط علی، علت را رها کرده‌اند: «اگر در تاریخ علیت وجود داشته باشد، هیچ ابزاری برای کشفش نداریم» (هیوز، وارینگتن، مارنی، ص ۳۵۲).

باری استنفورد بر این است که می‌توان علت روی‌داد تاریخی را کشف کرد و روش نشانادن مجموعه‌ای از شروط و زمینه‌ها در جای علت، در عمل راه‌گشاست. البته او از روش شرطی خلاف واقع (اگر روی‌داد «الف» نباشد، روی‌داد «ب» هم نیست) با نام روشی دیگر برای تشخیص علت یاد می‌کند (استنفورد، ص ۱۵۲ - ۱۵۵). تعلیل تاریخی بر پایه شرطی خلاف واقع، با نظریه والش درباره علت تاریخی سازگار می‌نماید که علت در تاریخ، روی‌داد و کنش یا حذفی است که بدون آن سراسر روند روی‌دادهای بعدی به صورتی متفاوت رخ خواهند داد (والش، ص ۲۲۲ - ۲۲۳؛ استنفورد، ص ۱۵۳). مهم‌ترین مشکل چنین روشی این است که سرچشمه وقوع روی‌داد تاریخی را در چیزی می‌جوید که هرگز رخ نداده است.

علیت تاریخی و قانون‌مندی تاریخ

از سوی دیگر، بحث علیت در پیوندی نزدیک با قانون‌مندی است و هنگامی که علت وقوع روی‌دادهای تاریخی در عنوانی عام و فراگیرتر جای گیرند، قانون‌های تاریخی را پدید می‌آورند. چگونگی دست‌یابی به قانون‌های تاریخی و

پاسخ‌گویی بدین پرسش‌ها نیز بحث دیگری است: آیا نخست باید علت‌ها را یافت و آن‌گاه به روشی استقرایی (کنار هم نهادن این علت‌ها) قانونی را ابداع یا کشف کرد؟ یا می‌توان از راه‌هایی مانند استدلال عقلی، تجربه و وحی، قانون‌مندی‌ها را به دست آورد و به روشی قیاسی آن را مبدأ کشف علت روی داده‌های تاریخی دانست؟

باری بر این نکته باید تأکید کرد که هنگام سخن گفتن از علت به مفهومی عام، قانون‌های عام و فراگیر را نیز می‌توان، بلکه باید لایه‌ای از آن برشمرد. کمابیش به تبیین‌های مبتنی بر قانون‌مندی بی‌مهری کرده‌اند و به اعتقاد برخی از فیلسوفان تاریخ، هیچ کس بر این نیست که چنین تبیین‌هایی کاملند، بلکه در بهترین وضع، بر پایه «در صورت مساوی بودن چیزهائی دیگر» استوار می‌شوند (اتکینسون، ص ۳۹)، اما چنانچه مصداقیابی برای قانون‌ها با دقت و به‌درستی صورت گیرد، تبیین قانون‌مند عالی‌ترین و استوارترین تحلیل‌ها و تبیین‌های علی - معلولی تاریخی خواهد بود.

این نکته در هدایت این نوشتار و جمع‌بندی آن تأثیر می‌گذارد. برای نمونه، اگر رابطه علی - معلولی ستم‌گری حاکمان و فروپاشی جوامع، قانون تاریخی معتبری باشد، در تعلیل و تحلیل روی‌دادی تاریخی درباره فروپاشی حکومت، به سلسله‌ای از عوامل و شروط و زمینه‌ها اشاره خواهد شد، اما علت واقعی، همان قانون ثابت و تغییرناپذیر خواهد بود. این سخن با این دیدگاه نیز سازگار می‌نماید که قانون‌مندی نقطه‌ای میان جبرگرایی الهی و تصادف و اتفاق است (زرین‌کوب، ص ۲۰۰)؛ زیرا قانون‌ها به‌ویژه از دیدگاهی دین‌محور، نافذ اراده انسان نیستند (مصباح یزدی، ص ۴۳۴ - ۴۳۷). کسانی که به یافتن علت‌های تاریخی امید ندارند، گاهی به دنبال کشف نشانه‌هایی رفته‌اند که به کمک آنها تنها به پیش‌گویی توانا خواهند شد، اما فروکاستن ارزش قانون‌مندی‌ها به آسان کردن قدرت پیش‌گویی، در حقیقت نفی امکان کشف علت تاریخی است:

قانونی که پیش‌گویی را می‌سازد، ممکن است در ارتباطی نزدیک با کشف علت باشد و حضور یا غیاب یک علت ممکن است قدرت پیش‌گویی قابل توجهی در پی داشته باشد، اما سؤال من این است که اگر روش علمی در تاریخ کاربردپذیر نیست و بنابراین، امکان پیش‌گویی حوادث تاریخی موجود نیست، آیا آنها علت دارند؟ از آنجا که پیش‌گویی‌ها اغلب گمان می‌رود علت حوادثی باشند که پیش‌گویی می‌کنند، در علم معاصر تمایل مشهوری به اشتباه گرفتن پیش‌گویی به جای علت وجود دارد (هیوز، وارینگتن، مارنی، ۳۴۹).

این پژوهش، قانون تاریخی و قانون‌مندی‌های تاریخ را در معنای سنت‌های تاریخی در فرهنگ قرآن (الصدر، *السنن التاریخیه فی القرآن*) به کار می‌گیرد که آیاتی از قرآن نیز به روشنی بر آنها گواهی می‌دهند: فاطر، ۴۳؛ احزاب، ۶۲؛ فتح، ۲۳؛ اسراء، ۱۷۷.

مفهوم علت تاریخی

علت در این مقاله، مفهومی فراگیر و عام‌تر از مجموعه شرط‌ها و زمینه‌ها و قانون‌مندی‌ها دارد، اما هدف این نیست که دیدگاه نویسنده درباره علت پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان مکه در غزوه بدر عرضه شود، بلکه با همان تعریف از علت، علت‌های پیش‌گفته در دو گونه از منابع با یک‌دیگر سنجیده می‌شوند. بنابراین، روش‌هایی که اندیشه‌ورزانی مانند استنفورد آنها را برای کشف علت پیش‌نهادند، در این گفتار به کار نمی‌آید و از این‌رو، تنها گفتار صریح یا تلویحی موجود در آن آثار درباره پدیده‌های مؤثر در پیروزی مسلمانان یا شکست مشرکان در غزوه بدر به دور از بررسی‌های حدیث‌شناختی و رجال‌شناختی، نقل و ارزیابی خواهد شد.

۱. برای آگاهی از معناهای گوناگون سنت، ر.ک: الراغب، ص ۲۴۴ - ۲۴۵.

بنابراین، از سویی قرآن کریم و از سوی دیگر *المغازی* نوشته محمد بن عمر واقدی (۲۰۷ق)^۱ و *السیرة النبویه*، نوشته عبدالملک بن هشام حمیری (۲۱۸ق)^۲ و *الطبقات الکبری*، نوشته محمد بن سعد بن منیع هاشمی (۲۳۰ق)^۳ با یکدیگر سنجیده خواهند شد. قرآن برترین منبع دینی مسلمانان است و این سه کتاب افزون بر آوازه فراوان و تأثیرگذاری در منابع پس از خودشان، از نزدیک‌ترین منابع تاریخی به زمان تدوین قرآن به شمار می‌روند که شخصیت‌های پیرامون پیامبر اعظم (ص) و روی‌دادهای پیش‌آمده برای آن حضرت، کانون بحث‌های آنها و دوره تدوینشان نزدیک به یکدیگر (نخستین دهه‌های قرن سوم هجری)؛ یعنی دوران آغاز شکوفایی تمدن است. غزوه بدر که آن را «بدر کبری» و «بدر القتال» نیز خوانده‌اند (واقدی، ج ۱، ص ۱۹؛ ابن هشام، ج ۲، ص ۲۵۷) به دلایل زیر محور این بحث شده است:

۱. چهار منبع پیش‌گفته به گستردگی و روشنی بدان پرداخته‌اند؛
۲. غزوه بدر، نخستین زمینه رویارویی بزرگ مسلمانان و مشرکان مکه با یکدیگر و از مهم‌ترین روی‌دادهای حکومت ده ساله پیامبر در مدینه است.

علت پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان در غزوه بدر از دید قرآن

قرآن در دو سوره خود از غزوه بدر یاد می‌کند: آل عمران، آیه ۱۳ و ۱۲۳ تا ۱۲۷ و انفال که به گفته کسانی، سراسرش درباره غزوه بدر است (طبرسی، ج ۲، ص ۵۱۶). بیست آیه نخست این سوره که بیش‌تر به علت‌ها و زمینه‌های پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان می‌پردازد، در این بخش بازکاوی خواهند شد. دیگر آیات این سوره دربردارنده سفارش‌هایی به مؤمنان و حکم‌هایی درباره جهاد، غنائم، اسیران و انفال و مسائلی درباره هجرت است و مستقیم به موضوع این

۱. برای آگاهی از شرح حال او، ر.ک: واقدی، مقدمه مصحح، ص ۵-۱۸.

۲. برای آگاهی از شرح حال او، ر.ک: ابن‌هشام، مقدمه مصححان، ص ۱۷-۱۸.

۳. برای آگاهی از شرح حال او، ر.ک: ابن‌سعد، ترجمه، مقدمه مترجم، ص ۳-۸.

مقاله مرتبط نیست (طباطبائی، ج ۹، ص ۵). دیگر آیاتی که به گمان، درباره غزوه بدر نازل شده‌اند (مأخذشناسی رسول اعظم در تفاسیر قرآن، ص ۱۱۲ - ۱۱۳)، به مباحثی دیگر می‌پردازند و از علت پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان در آن جنگ سخن نمی‌گویند و از این‌رو، در چارچوب بررسی‌های مقاله جای نگرفته‌اند.

جدول یکم. سیاهه علت پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان در غزوه بدر به گزارش قرآن

شماره	علت	سوره
۱	جنگیدن یکی از دو طرف در راه خدا و کافر بودن طرف دیگر	آل عمران ۱۳
۲	دو برابر شدن مؤمنان در چشم کافران	آل عمران ۱۳
۳	یاری (نصرت) خداوندی برای هر کس که بخواهد	آل عمران ۱۳ و ۱۲۳ و انفال ۱۰
۴	عبرت بودن غزوه بدر برای صاحبان بصیرت	آل عمران ۱۳
۵	کمک‌رسانی سه هزار فرشته	آل عمران ۱۲۴
۶	کمک خداوند به شرط پیشه کردن صبر	آل عمران ۱۲۵
۷	کمک خداوند به شرط پرهیزکاری	آل عمران ۱۲۵
۸	کمک رساندن پنج هزار فرشته	آل عمران ۱۲۵
۹	یاری نویدبخش خداوند به مؤمنان	آل عمران ۱۲۶، انفال ۱۰
۱۰	اطمینان بخشیدن خداوند به دل‌های مؤمنان	آل عمران ۱۲۶، انفال ۱۰
۱۱	اراده خداوند برای محدود شدن کافران و بریده شدن دم آنان	آل عمران ۱۲۷، انفال ۷
۱۲	اراده خداوند برای نگون‌بختی کافران و ناامیدی آنان	آل عمران ۱۲۷
۱۳	اینکه خداوند پیامبر را به حق و به‌رغم کراهت برخی از	انفال ۵

شماره	علت	سوره
۱۴	وعدۀ خداوند به یکی از دو پیروزی	انفال ۷
۱۵	ارادۀ خداوند برای محقق شدن حق با کلمات خود به‌رغم کراهت مجرمان	انفال ۷ و ۸
۱۶	استغاثۀ مؤمنان و پاسخ‌گویی خداوند به آنان	انفال ۹
۱۷	کمک‌رسانی با هزار فرشته	انفال ۹
۱۸	دچار شدن مؤمنان به خواب سُبک به خواست خداوند	انفال ۱۱
۱۹	فروریختن آب از آسمان برای پاکیزگی و دوری از آلودگی شیطانی به خواست خداوند	انفال ۱۱
۲۰	فروریختن باران برای محکم شدن دل‌های مؤمنان	انفال ۱۱
۲۱	فروریختن باران برای استواری گام‌های مؤمنان	انفال ۱۱
۲۲	تثبیت قدم‌های مؤمنان با فرشتگان به امر الهی	انفال ۱۱
۲۳	ترسیده شدن دل‌های کافران	انفال ۱۲
۲۴	دشمنی کردن مشرکان با خدا و رسول او	انفال ۱۳
۲۵	شدت عقاب خداوند درباره کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌ورزند	انفال ۱۳
۲۶	اینکه خداوند تیر را سوی دشمنان افکند نه مؤمنان	انفال ۱۷
۲۷	آزمودن مؤمنان به آزمونی نیکو	انفال ۱۷
۲۸	سست‌کننده بودن خداوند برای کافران	انفال ۱۸
۲۹	همراهی خداوند با مؤمنان	انفال ۱۹

گزارش منابع برگزیده درباره علت پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان در غزوۀ بدر

واقعی در جلد نخست / المغازی از صفحه نوزدهم تا ۱۷۲ به بررسی غزوۀ بدر می‌پردازد. ابن‌هشام نیز از صفحه ۲۵۷ تا ۳۷۴ جلد دوم و صفحه سوم تا ۴۵ جلد سوم از السیرة النبویة، در این‌باره بحث می‌کند و

ابن سعد به فشردگی، بحث‌های کلی خود را درباره غزوۀ بدر در صفحه‌های هشتم تا بیستم جلد دوم / الطبقات / الکبری مطرح می‌کند و در جلد سوم، «بدریان» را در طبقه نخست می‌نشاند و بحثی درازدامن، از صفحه سوم تا ۳۲۰ درباره مهاجران بدری و از صفحه ۳۲۰ تا ۴۵۲ درباره انصار بدری درمی‌اندازد. این مقاله تنها به مطالب جلد دوم / الطبقات (کلیات غزوه بدر) خواهد پرداخت. داده‌های این سه منبع را درباره علت پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان در غزوۀ بدر چنین می‌توان گزارش کرد:

جدول دوم. سیاهه علت پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان در غزوه بدر

به گزارش منابع برگزیده

شماره	علت	المغازی (ج ۱)	السیره النبویه (ج ۲)	الطبقات الکبری (ج ۲)
۱	عزت بخشی خدا به اسلام و خوار کردن مشرکان	ص ۲۱ و ۷۸ و ۱۱۶ و ۱۱۷	ص ۳۲۸ و ج ۳، ص ۹ و ۱۱ و ص ۱۵ و ۲۵ و ص ۲۶ و ۲۷	ص ۱۳ و ۱۹
۲	اینکه پیامبر مسلمانان را برای خروج از شهر به امید بردن غنیمت فراخواند	ص ۲۰	ص ۲۵۸	ص ۸
۳	خرید سلاح و کمک قدرت‌مندان به ضعیفان به دنبال خوابی که عاتکه بنت عبدالمطلب دیده بود	صص ۲۹ - ۳۲	صص ۲۵۸ - ۲۶۰	-
۴	بیرون آمدن قریش از مکه برای حمایت از کاروان تجاری خود	ص ۲۸ و ۴۳ و ۵۲	ص ۲۶۱	ص ۹

۵	ترس شماری از سران قریش از حضور در نبرد	ص ۳۸	-	-
شماره	علت	المغازی (ج ۱)	السیره النبویه (ج ۲)	الطبقات الکبری (ج ۲)
۶	تجسد شیطان در قالب سراقه بن (مالک بن) جُعْشُم مُدَلِجی و فریب دادن قریش و چند کار دیگر	ص ۳۹ و ص ۷۱ و ص ۷۵	ص ۲۶۳	-
۷	بیرون آمدن قریش با عِدّه و عِدّه‌ای برای سرمستی و خودنمایی	ص ۳۹	-	-
۸	اینکه پیامبر برای آگاهی از وضع مشرکان جاسوس فرستاد	ص ۴۰ و ۴۹	-	ص ۱۳
۹	نفرین پیامبر درباره مشرکان در جاهای گوناگون	ص ۲۶ و ص ۴۶ و ص ۵۶ و ص ۶۷ و ص ۸۱	ص ۲۷۳ و ص ۲۷۹	صص ۱۴ - ۱۵ و ص ۱۷ و ص ۱۹
۱۰	اینکه پیامبر، کسانی را که بر دین او نبودند، با خودش همراه نکرد	ص ۴۷	-	-
۱۱	استقرار سپاه پیامبر در نزدیک‌ترین چاه آب به دشمن به پیش نهاد حباب	ص ۵۳ و ص ۵۴	ص ۲۷۲	صص ۱۰ - ۱۱

			و منذر و تأیید جبریل در این باره	
شماره	علت	المغازی (ج ۱)	السیره النبویه (ج ۲)	الطبقات الکبری (ج ۲)
۱۲	اینکه پیامبر جای کشته شدن مشرکان را نشان داد و این کارش بسیار امیدبخش بود	ص ۴۹	-	-
۱۳	سخن‌رانی پیامبر برای مسلمانان	صص ۵۸ - ۵۹	-	-
۱۴	بارش باران و سفت شدن زمین؛ چنان‌که مانع حرکت مسلمانان نمی‌شد	ص ۵۴	-	ص ۱۱ و ص ۱۸
۱۵	بارش باران شدید بر مشرکان؛ چنان‌که زمینه تحرک آنان را برچیده بود	ص ۵۴	-	ص ۱۱
۱۶	رفتن مسلمانان به خوابی سبک در شب جنگ	ص ۵۴	-	ص ۱۱
۱۷	خواب‌دیدن پیامبر درباره تحقق پیروزی و نوید گرفتنش درباره آمدن جبریل، میکائیل واسرافیل	ص ۶۷ و ص ۷۰ - ۷۱	ص ۲۷۹	-
۱۸	آمدن جبریل و میکائیل و اسرافیل به سرپرستی گروه‌های هزار نفری	ص ۵۶ و ص ۵۷	-	ص ۱۱

			فرشتگان پس از وزش بادهای شدید	
شماره	علت	المغازی (ج ۱)	السیره النبویه (ج ۲)	الطبقات الکبری (ج ۲)
۱۹	پندار نادرست مشرکان درباره مغرور شدن مسلمانان	صص ۷۲ - ۷۳	-	-
۲۰	انگیزه پیامبر درباره ماندن شوکت در عموزادگانش و قریش (جلوگیری او از اینکه انصار در نخستین رویارویی‌ها در برابر قریش بایستند)	ص ۶۸	-	ص ۱۲
۲۱	اینکه خداوند همه مؤمنان را برای چیرگی بر بیست نفر توانمند کرد	ص ۷۳	-	-
۲۲	تأثیرگذاری فرشتگان	ص ۷۷ و ص ۷۹ و ص ۸۰ و ص ۹۱ و ص ۹۵ و ص ۱۱۳	ص ۲۸۵ و ص ۲۸۶ و ص ۳۰۱ و ج ۳، ص ۹	ص ۲۰
۲۳	بدل شدن ریشه درخت به شمشیر به اعجاز پیامبر برای یکی از یارانش	-	ص ۲۹۰	-
۲۴	تأثیرگذاری امیرمؤمنان علی (ع)	ص ۶۹ و ص ۸۵ و ص ۹۲	ص ۲۶۴ و ص ۲۷۸ و ص ۳۷۱	ص ۱۲ و ص ۱۷

		۹۳ - و ص ۱۴۹ - ۱۵۱		
شماره	علت	المغازی (ج ۱)	السیره النبویه (ج ۲)	الطبقات الکبری (ج ۲)
۲۵	هم‌دلی و همراهی اصحاب پیامبر	-	ص ۲۶۷ و ص ۲۶۸	ص ۱۸
۲۶	استواری و شجاعت پیامبر و پناهگاه بودن ایشان برای مجاهدان	-	-	ص ۱۸
۲۷	رعب و ترسیدن مشرکان	ص ۹۵	-	-
۲۸	نزول جبریل و مخیر ساختن مسلمانان برای کشتن اسیران یا فدیة گرفتن در برابر آزاد کردن آنان	ص ۱۰۷	-	ص ۱۶

درنگی روش‌شناختی درباره مقایسه

برای سنجش داده‌های این دو جدول، ناگزیر باید روش مناسبی برگزید. روش مقایسه‌ای در علوم اجتماعی که گاه به نادرستی در فارسی، آن را «روش تطبیقی» می‌خوانند (ساروخانی، ص ۱۷۷)، با تجربه در علوم تجربی هم‌ارز است و کسانی مانند اگوست کنت و دورکیم، آن را روش بنیادین علوم اجتماعی می‌انگاشتند؛ زیرا این روش قلب همه تلاش‌هایی است که برای آزمون تجربی فرضیه‌ها به کار می‌آیند (دوورژه، ص ۳۰۷؛ دورکیم، ص ۱۳۹ - ۱۴۰؛ ساروخانی، ص ۱۸۲ - ۱۸۳؛ طالبان، ص ۲۳). این روش در گستره علوم اجتماعی و سیاسی در معنای محدودتری به کار می‌رود و از دید واحد تحقیق، بیش‌تر برای واحدهای کلان اجتماعی به کار بسته می‌شود (طالبان، ص ۲۳) و از دید هدف تحقیق نیز بیش‌تر

به کشف علت کمک می‌کند (دوورژه، ص ۳۰۷، طالبان، ص ۲۵. برای آگاهی از دیگر کاربردهای آن، ر.ک: ساروخانی، ص ۱۸۳). این جستار در پی کشف علت نیست، بلکه به دنبال مقایسه علت‌های پیش‌گفته در دو دسته از منابع و از بومی‌سازی روش مقایسه‌ای متناسب با نیاز خود، ناگزیر است. روش مقایسه‌ای هنوز به صورت کامل برای تحقیقات تاریخی بومی نیست، اما گمان می‌رود فن‌های (تکنیک‌های) آن برای مطالعات تاریخی نیز سودمند و کارآمد باشد.

مقایسه را در تعریفی ساده، بررسی هم‌زمان همانندی‌ها و ناهمانندی‌ها می‌توان دانست (دوورژه، ص ۳۰۷، ساروخانی، ص ۱۷۷) و از این‌رو، دو پدیده یک‌سان یا دو چیز مختلف را با یک‌دیگر نمی‌توان سنجید. پس برای اعتبارسنجی مقایسه، نخست باید به همانندی‌ها و ناهمانندی‌های متن‌های یاد شده توجه کرد. متن‌های تاریخی و وحیِ گردآمده در قالب گزاره‌های قرآن معطوف به روی‌دادهای تاریخی، به اندازه‌ای با یک‌دیگر ناهم‌گون نیستند که نتوان آنها را با هم سنجید و چنان همگونی ندارند که مقایسه آنها با یک‌دیگر بیهوده یا ناممکن شود. آثار تاریخی و قرآن از دید خاستگاه بشری یا الهی خود، تفاوتی بنیادین با یک‌دیگر دارند و سبک بیانی آنها نیز با یک‌دیگر متفاوت است، اما چند ویژگی مشترک نیز میان آنها هست.

زبان قرآن و زبان متون تاریخی برگزیده، افزون بر عربی بودن از دید زمانی به یک‌دیگر نزدیکند؛ یعنی زمان پدید آمدن این آثار و زمان نزول و تدوین قرآن به هم نزدیک است و تحولی مهم در ساختار و واژگان عربی در این دوران پدید نیامده است. همانندی این متن‌ها از دید شکل بیان گزاره‌های علی به اندازه‌ای هست که مقایسه را توجیه‌پذیر و اعتبارش را تأمین کند. از این‌رو، نگرانی درباره تفاوت «متن فرهنگی» (دوورژه، ص ۳۱۱) و «تفاوت معنا» (دوورژه، ص ۳۱۲) در دو موضوع سنجش، از میان خواهد رفت.

مشکل دیگر فراروی مقایسه، گستردگی دامنه موضوع‌هاست؛ یعنی هر اندازه مقایسه درباره مجموعه‌های پهن‌تر و پیچیده‌تری صورت بگیرد، خطر ساختگی بودن آن بیش‌تر خواهد شد (دوورژه، ص ۳۰۸)، اما محدود بودن موضوع این سنجش (عوامل پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان در غزوه بدر) در چند منبع محدود، بر درصد اعتمادپذیری نتیجه آن خواهد افزود.

نگرانی دیگر درباره اعتماد به نتیجه مقایسه، از مشکلی به نام «متن اندازه‌ای» سرچشمه می‌گیرد. برای نمونه، پژوهش‌گر ساختار حکومت کشوری کوچک را با کشوری بسیار بزرگ مقایسه می‌کند که چنین کاری روا نیست (دوورژه، ص ۳۱۰). در این بحث نیز شمار آیات برگزیده، از بیست بیش‌تر نیست و شمار صفحات هر یک از منابع درباره غزوه بدر نیز از ۳۲۷ (۱۵۴، ۱۶۰ و ۱۳ صفحه) فراتر نمی‌رود، اما یک‌سان بودن تناسب شمار آیات برگزیده با همه آیات قرآن و شمار صفحات مرتبط با موضوع، در سنجش با همه صفحات کتاب‌های برگزیده، این نگرانی را نیز از میان می‌برد. گمان می‌رود به دلیل ارتباط این بحث به معنا (ساروخانی، ص ۱۹۲)، زمینه‌ای برای نگرانی درباره ساخت و کارکرد فراهم نخواهد آمد (دوورژه، ص ۳۱۳). نیازی به استدلال نیست که این مقایسه به دلیل محدود بودن منابع و خرد بودن موضوعش، مقایسه‌ای محدود در برابر مقایسه گسترده (دوورژه، ص ۳۱۴) به شمار می‌رود. روش‌های مقایسه در دو دسته کمی و کیفی می‌گنجند. مقایسه این نوشتار، به دلیل محدود و معدود بودن واحد تحقیق خود و تمرکزش بر بررسی همانندی‌ها و ناهمانندی‌ها، به جای تحلیل روابط متغیرها (طالبان، ص ۵۴) با یک‌دیگر، در جرگه «تحقیقات کیفی» جای خواهد گرفت.^۱ تنگناهای این نوشته، مانع تأمل درباره دیگر ویژگی‌های شایسته

۱. روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران، نوشته آقای محمدرضا طالبان، ویژه مطالعات انقلاب است، اما اطلاعات بسیار سودمندی درباره ویژگی‌ها و سازکارهای روش‌های مقایسه‌ای کمی و کیفی در بردارد.

روش مقایسه‌ای است که البته از اهمیت کم‌تری برخوردارند. به هر روی، گمان می‌رود این اندازه از درنگ، نگرانی والش را بزدايد که می‌گفت آنچه را مورخان در جای علل می‌نشانند، همواره سنجش‌پذیر نیست (والش، ص ۲۱۱). پس می‌توان گفت این نوشته، علت‌های تاریخی را با یک‌دیگر مقایسه می‌کند و بر پایه سخنان پیش‌گفته، مقایسه بنیادین آن «روش کیفی محدود» است.

گونه‌شناسی عوامل پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان در غزوه بدر

برای آسان شدن مقایسه داده‌های جدول‌ها، با توجه به هدف این نوشتار، به گونه‌شناسی عوامل آن شکست و پیروزی باید پرداخت. این عوامل را بر پایه اصول رایج گونه‌شناسی (ساروخانی، ص ۲۷۰) به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. عوامل عادی که وقوع و تأثیرگذاری آنها در غزوه بدر، طبیعی می‌نماید و پدیده‌ای ناگهانی و ماورائی شمرده نمی‌شود. مانند خروج پیامبر و مسلمانان از مدینه و بیرون آمدن سپاه مشرکان قریش از مکه. این سطح از توجه به علت‌های تاریخی، ساده‌ترین شکل تحلیل علی - معلولی روی داده‌های تاریخی است که مورخان آن را پیوسته بودن روی داده‌ها به یک‌دیگر به دست می‌آورند؛

۲. عوامل ماورائی که وقوع آنها در اوضاع عادی انتظار نمی‌رود و پدیده‌ای غیرطبیعی می‌نماید. مانند کمک‌رسانی فرشتگان. حتی نزول باران را نیز که موجب سفت شدن زمین برای مسلمانان و نرم شدنش زیر پای مشرکان شد، در همین دسته می‌توان گنجانید. این روش تحلیل علی - معلولی رویدادهای تاریخی که در آن روی داد تاریخی آشکار و محسوس (پیروزی مسلمانان) به یک یا چند روی داد ماورائی و نامحسوس (فرود آمدن فرشتگان) پیوند می‌خورد، بی‌گمان بر بنیادها و پیش‌فرض‌های معرفتی ویژه‌ای استوار است که مورخان دین‌باور درباره‌اش با دیگر مورخان هم‌سو نیستند؛

۳. قانون‌ها و قانون‌مندی‌ها، یک علت در کنار دیگر علت‌ها نیستند، بلکه روح حاکم بر علت‌هایند.

با سنجش هر یک از علت‌ها با این علت‌های سه گانه و نامیدن آنها به یکی از این سه نام، جدولی جدید می‌توان کشید که به دلیل کم‌سود بودن آن و برای پرهیز از درازنویسی، تنها جدولی مقایسه‌ای با توجه به آن ترسیم می‌شود:

جدول سوم. مقایسه گونه‌های عوامل یاد شده در قرآن و منابع برگزیده

شماره	علت	ردیف‌های متناظر در	ردیف‌های متناظر در	تعداد
		قرآن	منابع تاریخی	
		تعداد	تعداد	
۱	عادی	۱	۱	۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱۴، ۱۳، ۸، ۱۹، ۱۶، ۱۵، ۲۵، ۲۴، ۲۰، ۲۶
۲	ماورائی	۲، ۵، ۸، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۶	۱۳	۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۸
۳	قانون‌مندی	۱، ۳، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹	۱۵	۱

نتیجه

جدول سوم به‌خوبی نشان می‌دهد قرآن عوامل مادی و عادی (ساده‌ترین شکل پیوند علی و معلولی روی داده‌های تاریخی) را نفی می‌کند، اما مورخان مسلمان همچون هر تاریخ‌نگار دیگر در سطحی بسیار گسترده به چنین عواملی توجه کرده‌اند. قرآن هم‌چنین به علت‌های ماورائی در سطحی گسترده پرداخته است و مورخان مسلمان ملهم از قرآن به این عوامل به‌نیکی توجه کرده‌اند. البته آنان چند

گزارش نیز در این باره آورده‌اند که یاران پیامبر (ص) یا کسانی از سپاه دشمن، فرشتگان را دیدند یا صدای آنها را شنیدند، اما مهم‌ترین مستند آنها در این زمینه آیات قرآن است. به‌رغم این علت‌ها، توجه به قانون‌مندی‌های جامعه و تاریخ (ویژگی تعلیلی پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان) به‌گسترده‌گی در قرآن آمده است، اما مورخان مسلمان کمابیش آن را فراموش کرده‌اند.

این بررسی مقایسه‌ای به‌رغم همه کاستی‌های محتمل خود، گواهی می‌دهد که قرآن در تحلیل و تبیین روی‌دادهای تاریخی تأثیر عوامل مادی و میان‌رودادی را از نظر دور نمی‌دارد، اما سطح تحلیل و تعلیل خود را به هیچ روی بدانها محدود نمی‌کند و افزون بر توجه خاص به عوامل ماورائی، به‌روشی قیاسی روی‌داد تاریخی را مصداقی از قانون کلی می‌داند و از این‌رو، فراتر از تبیین روایی و علی، به گونه‌ای از تبیین قانون‌مند پیروی می‌کند. عواملی مانند کمک غیبی خداوند بر اثر صبر و تقوا، نوید بودن کمک غیبی، اطمینان‌بخش بودن کمک غیبی برای قلب، منسوب بودن پیروزی به خداوند، اراده خدا برای محقق کردن حق، اراده خدا برای محدود کردن کافران، اراده خدا برای احقاق حق و ابطال باطل، کمک‌رسانی خدا به دنبال استغاثه مؤمنان و افکندن رعب در دل کافران، از دید قرآن، عوامل پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان در غزوه بدر به شمار می‌روند. هم‌چنین در جای دیگری اینها را سنت‌هایی می‌خواند که جابه‌جا و دگرگون شونده نیستند (فاطر، ۴۳). برای آگاهی از بحثی در این باره، ر.ک: الصدر، ص ۵۶ و ص ۶۷ - ۶۸)، اما گویی این عوامل از دیده تاریخ‌پژوهان پنهان مانده است. این قانون‌ها که بیش‌تر سنت‌های مشروطند، بدون اینکه اراده انسانی در آنها نادیده انگاشته شود، معطوف به اراده الهی تفسیر می‌شوند؛ یعنی به گفته شهید صدر از سویی ربانی‌اند و از سوی دیگر کیان آزاد و مختار انسان را محترم می‌دارند (الصدر، ص ۶۸ - ۷۲). بنابراین، گونه‌ای از تبیین علی - معلولی از قرآن می‌توان

فهمید که چنانچه با بررسی‌های بیش‌تر، درستی‌اش به اثبات برسد، شاید بتوان آن را لایه یا سطحی از تاریخ‌نگاری دین‌محور به شمار آورد. مطالعه مقایسه‌ای محدود این نوشتار که به هر روی، بررسی نخستینی بیش نیست، گواهی می‌دهد که روش تاریخ‌نگاران مسلمان در تدوین غزوه بدر با روش قرآن آشکارا متفاوت است. واقدی در صفحات ۱۳۱ تا ۱۳۸، از آیات سوره مبارکه انفال یاد می‌کند و به شرح آنها و تطبیق برخی از آیات با روی داده‌های خُرد این نبرد می‌پردازد. ابن‌هشام نیز در صفحات ۳۲۲ تا ۳۳۳، با عنوان «نزول سوره الانفال» می‌آورد و تنها مفردات آیات را شرح می‌دهد و در پایان بحث خود درباره غزوه بدر، بخشی را با عنوان «ما قیل من الشعر فی یوم بدر» می‌گنجاند (ج ۳، ص ۸ - ۴۵). ابن‌سعد نیز آیات نازل شده را با خود روی داد تطبیق می‌کند (ص ۱۸ و ص ۱۹ و ص ۲۰). با نگاهی بدبینانه می‌توان گفت ویژگی تاریخ‌نگاری مسلمانان، به آیات قرآن نسب نمی‌برد، بلکه قرآن همانند اشعاری که درباره روی داده‌های تاریخی سروده شده‌اند، تنها در قالب گزارشی مرتبط با آن روی داد بررسی شده است. چنانچه روش تاریخ‌نگاران سده‌های نخستین اسلامی درباره سیره پیامبر (ص) و غزوه بدر بدین اندازه از روش قرآن دور باشد، از تاریخ‌نگاران سده‌های پسین در موضوع‌های نامرتبط با مقدسات چه انتظاری باید داشت. فرضیه این نوشتار چنین است: «تاریخ‌نگاری در پهنه تمدن اسلامی به‌رغم بسیاری از دانش‌های رایج میان مسلمانان، تأثیرپذیری درخور و شایسته‌ای از قرآن و آموزه‌های وحی نداشته است». روشن است که سنجش این فرضیه، نیازمند واکاوی‌های بسیار است و داوری زودهنگام در این باره دادگرانه نخواهد بود، اما آنچه بسیار مهم می‌نماید و این بررسی را از مطالعه‌ای معطوف به گذشته به درنگی درباره آینده بدل می‌سازد، باز کردن جایگاهی ویژه برای قرآن به انگیزه پدید آوردن تحول در

دانش تاریخ همراه با تحول در دیگر شاخه‌های علوم انسانی و پی ریختن تاریخ‌نگاری بومی است.

کتاب‌نامه

۲۴. ابن‌سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی (۱۴۱۰ ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۵. ابن‌سعد، محمد بن‌سعد کاتب واقدی (۱۳۷۴)، *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۲۶. ابن‌هشام (بی‌تا)، *السيرة النبویة*، تحقیق و ضبط و شرح مصطفی السقا ابراهیم الابیاری، عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. اتکینسون، آر. اف (۱۳۷۹)، «فلسفه تاریخ، نگاهی به دیدگاه‌های رایج در فلسفه معاصر تاریخ»، *فلسفه تاریخ؛ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*، حسینعلی نوذری، تهران، طرح نو.
۲۸. استنفورد (۱۳۸۲)، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران، نشر نی.
۲۹. خادمی، عین‌الله (۱۳۸۰)، *علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان تجربه‌گرا*، به سفارش مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، قم، بوستان کتاب.
۳۰. دورکیم، امیل (۱۳۸۷)، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.

۳۱. دوورژه، موریس (۱۳۶۲)، *روش‌های علوم اجتماعی*، ترجمه، خسرو اسدی، تهران، امیرکبیر.
۳۲. الراغب الاصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد (۱۳۶۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق و ضبط محمد سعید کیلانی، تهران، چاپ دوم، المكتبة المرتضویه.
۳۳. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۰)، *تاریخ در ترازو*، تهران، چاپ سوم، امیرکبیر.
۳۴. ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۵. الصدر، محمدباقر (۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م)، *السنن التاريخية فی القرآن*، بازنویسی و تنظیم محمدجعفر شمس‌الدین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۳۶. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸)، *روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۳۷. طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمية.
۳۸. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۴۰۳ ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی (افست از نسخه مطبوعه العرفان، صیدا ۱۳۵۴ ق / ۱۹۳۵ م).
۳۹. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۶)، *مأخذشناسی رسول اعظم (ص) در تفاسیر قرآن*، قم، بوستان کتاب.

۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۱. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ق)، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، چاپ سوم، مؤسسة الاعلمی.
۴۲. والش، دبلیو. اچ (۱۳۶۳)، *مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ*، ترجمه ضیاء الدین علائی طباطبایی، تهران، امیرکبیر.
۴۳. هیوز، وارینگتن مارنی (۱۳۸۶)، *پنج‌گانه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ*، تألیف مارنی هیوز، وارینگتن، ترجمه محمدرضا بدیعی، تهران، امیرکبیر.